

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده ادبیات

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب گرایش ادبیات عرب

عنوان پایان نامه

بررسی جنبه های انسانی اخلاقی و اجتماعی شعر عروۃ
بن الورد

استاد راهنما
دکتر سید حمید طبیبیان

استاد مشاور
دکتر قیس آل قیس

پژوهشگر
جواد اسدیور فضل الهی

آبان ۱۳۹۲

تقدیم بہ:

روح بلند پدرم و قلب مہربان مادرم
و تمام کسانی کہ دوستان دارم

تقدیر و تشکر:

در اینجا لازم می دانم بر حسب وظیفه ی دینی و انسانی خود از اساتید ارجمند و گران مایه جناب آقای دکتر طبیبیان، دکتر آل قیس و دکتر جنیدی که زحمت راهنمایی، مشاوره و داوری این پایان نامه را به عهده داشته اند، کمال تشکر و قدر دانی را داشته باشم. همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و ریاست محترم پژوهشکده ی ادبیات و مدیر گروه محترم زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی صمیمانه سپاسگزاری می کنم.

جواد اسدپور

آبان ۱۳۹۲

❖ چکیده :

رساله حاضر تحت عنوان بررسی جنبه های اخلاقی، اجتماعی و انسانی در شعر عروه بن الورد تلاشی برای آشنایی و بررسی کلمات غریب و نامآنوس زبان عربی در عصر حاضر و همچنین مقایسه ای تطبیقی در اخلاق اجتماعی و انسانی صعالیک با روزگار معاصر است که با انتخاب یکی از نام آورترین شاعر آنان به نام « عروه بن الورد العبسی» سعی در شناخت جنبه های اخلاقی وی به عنوان امیر الصعالیک دارد. در ادامه، از دریچه ی نگاه نافذ محقق دانشجو، روزگار قبل از اسلام و شعر و ادبیات آن دوره را مورد بررسی قرار می گیرد. باشد که نزد علاقمندان به زبان و ادبیات عرب مفید فایده بوده و کمکی هر چند اندک به درک مفاهیم عمیق اخلاقی و لغوی شعر دوره ی جاهلی نموده باشد.

کلید واژه ها: عروه بن الورد، شعر جاهلی، صعالیک، اخلاق، اعراب جاهلی

ب	چکیده	
۱	پیشگفتار	
۴	کلیات	۱
۴	موقعیت جغرافیایی قوم عرب	۱.۱
۴	عصر جاهلی و مفهوم جاهلیت	۱.۲
۶	زندگی اجتماعی و نظام حکومتی عرب جاهلی	۱.۳
۹	زندگی اقتصادی عرب جاهلی	۱.۴
۱۰	اخلاق عرب جاهلی	۱.۵
۱۱	شعر جاهلی، موضوعات و انواع و اقسام آن	۱.۶
۱۵	تعریف صعلوک	۱.۷
۱۵	صعلوک در لغت	۱.۷.۱
۱۵	در کاربرد ادبی	۱.۷.۲
۱۷	در جامعه‌ی جاهلی	۱.۷.۳
۲۲	عوامل شکل‌گیری صعالیک	۱.۸
۱۹	اعمّ محیطی	۱.۸.۱
۲۳	عامل اقتصادی	۱.۸.۲
۲۵	عامل اجتماعی	۱.۸.۳
۲۸	معرفی گروه‌های صعالیک و شاعران مشهورشان	۱.۹
۲۰	اهداف صعالیک	۱.۱۰
۲۰	هدف انسانی	۱.۱۰.۱
۳۱	هدف شیطانی	۱.۱۰.۲
۳۳	اهداف اجتماعی حرکت صعالیک	۱.۱۱
۳۳	رهایی از قبیله	۱.۱۱.۱
۳۶	قیام علیه نظام قبیله	۱.۱۱.۲
۳۶	فقر سرچشمه‌ی «شر» است	۱.۱۱.۳
۳۷	عزت نفس و عدم پذیرش ظلم	۱.۱۱.۴
۳۹	ترجیح مرگ برخواری و منت‌پذیری	۱.۱۱.۵
۳۹	اعتقاد به راهزنی و دوری از کارهای پست	۱.۱۱.۶
۴۱	شرح حال عروة بن الورد	۲
۴۹	بررسی جنبه‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی شعر عروه	۳
۹۹	اراده و همت بلند	۳.۱
۵۴	اعتقاد به مرگ	۳.۲
۵۷	عشق و دوستی	۳.۳
۶۱	ایثار و فداکاری	۳.۴

۶۳.....	بخل.....	۳.۵
۶۶.....	پاکی و شرم و حیا.....	۳.۶
۷۲.....	تعصب.....	۳.۷
۷۴.....	تلاش برای کسب روزی.....	۳.۸
۷۶.....	جنگجویی و دلاوری.....	۳.۹
۸۱.....	جوانمردی.....	۳.۱۰
۸۸.....	حفظ ناموس و شرف.....	۳.۱۱
۸۹.....	حمایت از محرومان و سالخوردگان.....	۳.۱۲
۹۲.....	حمایت از همسایگان و خویشاوندان.....	۳.۱۳
۴۴.....	خطر پذیری در حمایت از خانواده.....	۳.۱۴
۹۷.....	خونخواهی و انتقامجویی و کینه توزی.....	۳.۱۵
۹۸.....	دعوت به فضایل اخلاقی.....	۳.۱۶
۱۰۲.....	دوری از ذلت و خاری و ننگ و عار.....	۳.۱۷
۱۰۹.....	دوری از سرزنش دیگران.....	۳.۱۸
۱۱۲.....	زیباشناختی.....	۳.۱۹
۱۱۳.....	دوری از بدگویی توسط دیگران.....	۳.۲۰
۱۱۴.....	شجاعت و دلیری.....	۳.۲۱
۱۲۰.....	عدالت خواهی.....	۳.۲۲
۱۲۲.....	عزت نفس و زندگی شرافتمندانه.....	۳.۲۳
۱۳۳.....	غرور و مفاخره.....	۳.۲۴
۱۳۹.....	فقرستیزی و فقرگریزی.....	۳.۲۵
۱۴۴.....	کرم و بخشش.....	۳.۲۶
۱۵۱.....	مدح دور اندیشی و مشورت.....	۳.۲۷
۱۳۳.....	مزمت سر بار دیگران بودن.....	۳.۲۸
۱۵۵.....	مهمان نوازی.....	۳.۲۹
۱۵۷.....	وفاء.....	۳.۳۰
۱۶۱.....	توصیف طبیعت و حوادث طبیعی.....	۳.۳۱
۱۶۵.....	الملخص	۴
۱۶۴.....	المصادر و المراجع:	۵

❖ پیشگفتار

ادبیات هر ملتی آینه تمام نمای اخلاق، فرهنگ و احوال اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن ملت است، و می‌توان بدون هیچ شائبه‌ای از طریق آن به هویت فرهنگی و اخلاقی آن ملت و احوال و اوضاع اجتماعی آن در طول تاریخ پی برد. به خصوص آن قسمت از ادبیاتی که دور از دربار سلاطین، حاکمان و قدرتمندان سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است؛ و صرفاً عبارت است از: آنچه انسان‌ها احساس می‌کنند و به آن می‌اندیشند. ادبیات عرب جاهلی از نمونه‌های بارز این گونه ادبیات است. به ویژه آن قسمت از ادبیات و اشعاری که به شعرای صعالمیک عصر جاهلی نسبت داده شده است.

از آنجا که بعضی از صعالمیک از شاعران مشهور عصر جاهلی به شمار می‌آیند، تذکره نویسان و مؤلفان کتاب‌های ادبی به زندگی و آثار آنها پرداخته و صفحاتی از مؤلفات خود را به ذکر اخبار و اشعار آنان اختصاص داده‌اند.

از این رو در این پژوهش سعی کرده‌ایم تا با استناد به این اخبار و اشعار نقل شده در معتبرترین منابع ادبیات عربی به حقیقت گرایش‌های اخلاقی و نیز رنج‌های اجتماعی این گروه از افراد جامعه عرب جاهلی پی ببریم و علل و عوامل پیدایش پدیده صعالمیک را در آن جامعه بررسی کنیم.

بنابراین رساله حاضر تحت عنوان « بررسی جنبه های اخلاقی، اجتماعی و انسانی در شعر عروه بن الورد » تلاش دارد با هدف آشنایی علاقه‌مندان به زبان و ادبیات عرب با وضعیت اجتماعی مردم و شعر شاعران در عصر جاهلی به ویژه در دوره صعالمیک گردآوری و به رشته تحریر درآورد تا با بررسی یکی از مشهورترین شاعران آن دوره (عروه بن الورد العبسی)، اولاً با الفاظ غریب عربی در داخل ترجمه ابیات آشنا شویم، ثانیاً، زندگی مردم، شاعران و وضعیت اخلاقی و اجتماعی صعالمیک و پیروان آنان را بشناسیم. ثالثاً از طریق اشعار عروه با جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی آن دوره را با دوره معاصر، در ذهن خود مقایسه کنیم.

لازم به ذکر است که محققان و ادیبان بسیاری در زمینه بررسی عصر جاهلی و صعالمیک و اوضاع اجتماعی آن دوره مطالعه و تحقیق کرده‌اند. ادیبان و محققانی چون استاد

جرجی زیدان، یوسف خلیف، شوقی ضیف، و ده‌ها ادیب مشهور دیگر پیش از این به این موضوع از جنبه‌های تاریخی و همچنین از نظر ادبی و شرح اشعار آنان پرداخته‌اند. در این پژوهش، با استفاده از منابع و مآخذ متعدد، سعی در انعکاس تجربیات و پژوهش‌های متقدمین و متأخرین داریم، تا بتوانیم هر چه بهتر و دقیق‌تر مطالب مورد نظر را بیان کنیم.

رساله متشکل از سه فصل می‌باشد که در فصل اول با بررسی کلیات تحقیق به اوضاع اجتماعی مردم و شیوه زندگی آنان در دوره جاهلی پرداخته شده است و متعاقب آن به وضعیت شعر و ادبیات این دوره نگاهی گذرا می‌کنیم. در مطالعه دوره جاهلی با گروه خاصی از مردم به عنوان صعالیک برمی‌خوریم که با بررسی بیشتر آن یکی از برجسته‌ترین شخصیت آنان به نام عروه بن الورد «امیر الصعالیک» آشنا می‌شویم. در فصل دوم به شرح حال عروه، خواستگاه او و شیوه زندگی و اخلاق و رفتار او می‌پردازیم. در فصل آخر (فصل سوم)، بنابر رعایت اصل موضوع پایان‌نامه، به بررسی جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و انسانی شعر عروه، از زبان خودش می‌پردازیم. در این فصل کوشیده‌ایم تا از زوایای مختلف، شعر عروه را مورد مطالعه قرار دهیم تا ابعاد بیشتری از اخلاق و رفتار وی و جامعه پیرامون او را بشناسانیم.

امید است این رساله به نوبه خود بتواند اندک سهمی در کمک به فهم مفاهیم شعر در دوره جاهلی و بویژه شعر عروه داشته‌باشد و همچنین در آموزش کلمات مهجور و غریب عربی در عصر جاهلی برای علاقه‌مندان به زبان و ادبیات عرب کمک شایانی کرده‌باشد.

فصل اول: کلیات

۱ کلیات

۱.۱ موقعیت جغرافیایی قوم عرب

موطن عربها که آن را شبه جزیره العرب می نامند، سرزمینی است پهناور میان دریای احمر و اقیانوس هند و خلیج فارس و خطی خیالی از بالای خلیج عقبه تا فرات. (الفاخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۱۷)

بیشترین قسمت این شبه جزیره را صحرایی خشک و بی آب و علف فراگرفته است، تنها در بخش جنوب غربی و بیشتر در یمن اندک رطوبتی وجود دارد، ولی یکنواختی بقیه صحرا را تنها چند واحه که در کنار چاه های آب ایجاد شده و اگر بارانی فرو افتد صحنه ای زیبا از گیاهان در آن ایجاد خواهد شد، اندکی تغییر داده است. (عبدالجلیل، ۱۳۷۶ش: ص ۱۵-۱۶)

بنابراین، این سرزمین گسترده در دوره ی جاهلی بر پهنه ی وسیعی از زمین کشیده شده بود که دارای مناطق مختلفی بود و این مناطق آن را به شکل سرزمین های گوناگونی نشان می داد، گرچه یک سرزمین بیش نبود و مناطق گوناگون آن را نام هایی است که عبارتند از: حجاز، یمن، حضرموت، عمان، بحرین، نجد و... . گرچه این مناطق در کنار هم قرار گرفته بودند ولی حجاز که بعدها گاهواره اسلام شد، دارای اهمیتی بیشتر بوده است. (اسد، ۱۹۲۱م: ص ۱)

این وطن پهناور را مردمانی بوده که در ژرفنای دره ها، بلندای تپه ها، دشت های وسیع، قله های رفیع، صحراهای تو در تو و ساحل های دریا می زیستند و بی شک آب و هوای گوناگون این سرزمین ها در شغل، زندگی اجتماعی و روابط اقتصادی مردمانش بی تاثیر نبوده است. (همان: ص ۲-۳)

۱.۲ عصر جاهلی و مفهوم جاهلیت

جاهلیت به دوره ای ازدوره های تاریخ زندگانی عرب های پیش از اسلام گفته می شود که در آن، روزگار را به شرک و بت پرستی سپری می کردند، این دوره انباشته از اندیشه های شگفت انگیز بر پایه خرافات و اوهام بوده است.

دیدگاه کلی محققان درباره عصر جاهلی چنین است: روزگاران پیش از اسلام - چه دور و چه نزدیک - با عنوان جاهلیت مشهور است. جرجی زیدان در کتاب خود تاریخ آداب اللغة العربیة جاهلیت را به دو قسمت تقسیم کرده است؛ جاهلیت اولی که متعلق به دوران پیش از اسلام است و جاهلیت آخری که مربوط به اوان ظهور اسلام و اندکی بعد از آن است. (زیدان، ۱۹۸۳م: ج ۱، ص ۲۶-۲۸)

درباره ی این که چرا قرآن کریم عربهای پیش از اسلام را اهل جاهلیت خوانده میان دانشمندان و مورخان اختلاف نظر هست، برخی دلیل آن را رواج بت پرستی و جهل و برخی دیگر دلیلش را رواج دشمنی و خونریزی میان قبایل و عشایر عرب دانسته اند. (الفاخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۳۵)

نکته ی قابل توجه در اینجا این است که اصطلاح جاهلی که بر این عصر اطلاق شده است از جهل که متضاد علم می باشد مشتق نشده، بلکه از جهل به معنی سبک مغزی، خشم و نادانی مشتق گردیده است و در مقابل کلمه ی اسلام می باشد که بر فروتنی و عبادت خدای تبارک و تعالی و هر آنچه که اخلاق نیکو را در بر می گیرد، دلالت دارد. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۴۷)

اما می بینیم با همه بار منفی ای که این کلمه در دوران پیش از اسلام داشته، پاره ای از صفات برجسته نیز در میان عربهای جاهلی متداول بوده است نظیر تعصب برای دفاع از آنچه هر کس باید از آن دفاع کند، پاسداری غیرت مندانه از شرف شخصی، منع و جلوگیری از اینکه آبرو و شرف شخص آلوده گردد و... (حتّی، ۱۳۸۰ش: ص ۱۲۰)

بر این اساس، عصر جاهلیت به معنای روزگار جهالت و نادانی نیست بلکه دوران بربریت و سرکشی مملو از خشونت، استبداد و یاوه گویی است. (بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۳۰)

۱.۳ زندگی اجتماعی و نظام حکومتی عرب جاهلی

قوم عرب به دو گروه حضری و بدوی تقسیم می‌شدند، حضریان ساکنان نواحی جنوبی بودند که در یک جا ساکن بودند و به عبارتی شهرنشین و متمدن بودند و تمدنشان بر اساس تجارت یا زراعت و گاه صنعت پایه ریزی می‌شد. (الفاخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۲۰)

ولی بیشتر عرب‌ها بدوی بودند که با چراندن گوسفندان و چهارپایان زندگی می‌کردند. اینان هیچ چیزی را بر زندگی صحرائی و بدوی خود برتری نمی‌دادند و بسیار ساده می‌زیستند، ولی نباید پنداشت که این زندگی ساده، راحت هم بوده است، چرا که صحرا پر از خطرهای و ترس‌ها، حیوانات وحشی، مارها و حشرات و بیابان‌های هولناک، بادهای کشنده، شبهای پر از ترس و دلهره، خیالات و توهم جن و غول و بالاتر از همه این‌ها اینک برخی عرب‌ها در کمین برخی دیگر بوده‌اند، چرا که زندگیشان زندگی خونینی بوده است. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۷۸)

بنابراین در روش زندگی عرب جاهلی، تفاوت واضح میان زندگی بدوی و حضری وجود دارد، برخی قبایل در یک جا ساکنند، حال آنکه برخی دیگر به شکل بدوی زندگی می‌کنند و نمی‌توان میان این دو گروه در شیوه زندگی اختلاط ایجاد کرد. (بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۳۷) و همین بدایت است که خوی و منش عربی را شکل می‌بخشد. (الفاخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۲۱)

آنان مدافعان سرسخت شرف و سنت‌های قبیل‌ه خویش هستند، همانگونه که مدافعان دارائی‌های مادی خود می‌باشند. سختی زندگی بدوی و نبودن یک قدرت وحدت‌آفرین، باعث شده بدوی به حفظ خصوصیات قبیل‌ه‌ای و شخصی توجه کند

و به همان اندازه از حس اجتماع گرایی دور شود و همین زندگی سخت باعث شکل گیری خوی های متضاد در بدویان شده است، به گونه ای که آنان کرم و بخشش را با چپاول و غارت مسافران و قبایل ضعیف تر گرد آورده اند، همانگونه که هم وفا دارند و هم درتدارک توطئه و کمین به قصد خیانت چابکند، هم شجاعند و هم محتاط و بزدل. (عبدالجلیل، ۱۳۷۶ش: ص ۱۹)

شعر جاهلی و احوال شاعران آن هم، تصویری از حکومت های عرب جاهلی به ما می دهد، این حکومت ها که مسلما در شهرها بوده اند در کنار نظام قبیله ای، سیستم حکومتی عرب جاهلی را برای ما به تصویر می کشند.

از جمله شهرهای عرب نشین می توان به مکه و حجاز اشاره کرد که مکه در آن زمان مرکز دینی، اجتماعی، تجاری و اقتصادی مهمی به شمار می رفته و زبان قریش به خاطر جایگاه دینی اش در آنجا حاکم بوده و این زبان به دلیل تجارت در دیگر شهرهای عربی هم رواج یافته و دارای جایگاه ادبی والا و بلند مرتبه ای گردیده است. بنابراین مکه مهمترین شهر در دوره جاهلی و جایگاه امن برای عرب جاهلی بوده است. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۵۰-۵۱)

شهرهای مهم دیگر، طائف و یثرب (مدینه) می باشند که مردمانش به شکل بدوی در چادرها و خیمه ها زندگی می کردند و تنها یهودیان یثرب در روستاها زندگی می کردند. (همان: ص ۵۳-۵۴)

قبایل بدوی عرب به دو دسته عدنان مضر و قحطان جنوبی تقسیم می شدند و فخر به یمنی، قحطانی، عدنانی و مضر بودن در شعر جاهلی فراوان دیده می شود. (همان: ص ۵۵)

بنابراین زندگی اجتماعی عرب به شکل قبیله ای است و قبیله شامل گروه هایی می شده که در چادرها زندگی می کردند. (اسد، ۱۹۲۱م: ص ۵-۶)

گرچه ما شاهد حکومت هایی در شهرها هستیم، ولی بدویان به هیچ نظام حکومتی جز نظام قبیله ای گردن فرو ننهاده بودند و تنها حکومتی که آنان می شناختند، خانواده و

عشیره و قبیله بوده است. جامعه آنان قبیله و خیمه بوده نه امت و ملت. (الفخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۲۱) هر قبیله رئیسی داشته که سید یا شیخ بوده است و او باید ویژگی های مهم عرب ها را در بالاترین حد خود دارا باشد و این ویژگی ها شامل بخشندگی، شجاعت، وفاداری و... می باشد. (عبدالجلیل، ۱۳۷۶ش: ص ۱۷-۱۹)

رئیس قبیله باعث وحدت افراد بوده و افراد قبیله هم وظیفه داشتند از دیگر افراد قبیله خود و هم پیمانانشان چه ظالم و چه مظلوم دفاع کنند و این حمایت فرد از قبیله و قبیله از فرد بر اساس احساس همبستگی، «عصبیت» نامیده شده است. (الفخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۲۱)

قبایل عرب چه هم پیمان و چه غیر هم پیمان مجلسی داشتند که شامل بزرگان عشیره ها و قبیله ها می شده و این مجلس محل گردهمایی آنان بوده است و در آن به امور قبیله شان می پرداختند. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۵۹-۶۰)

قبیله جاهلی از سه طبقه تشکیل می شده است: **فرزندان** (ابناء) که رابطه خونی و نسبی میانشان بوده و ستون های قبیله بوده اند، **بندگان** (عباد) که از سرزمین های دیگر و به خصوص حبشه گرفته شده بودند، **موالی** که هم پیمانان قبیله بودند. (همان: ص ۶۷)

پیوند واقعی میان عرب ها همان پیوند خونی و نسبی بوده و همه ی حقوق و وظایف ناشی از همین خون است که در رگ های مردان جریان دارد، حس یگانگی اجتماعی، بسیار قوی است و هر تعرضی که متوجه یک شخص تنها باشد بر دوش همه قبیله سنگینی می کند و تمام قبیله رفع آن را می طلبد، حتی اگر با سلاح و جنگیدن باشد. (عبدالجلیل، ۱۳۷۶ش: ص ۱۷)

هر چند که روابط میان فرد و گروه در قبیله جاهلی قوی و محکم بوده ولی گاه اتفاق هایی رخ می- داده که باعث قطع شدن این روابط می گشته و باعث ظهور گروهی به نام خلعاء می شده است. (بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۴۶) و از جمع این خلعاء و همانندانشان، گروه مشهور صعالیک یا دزدان شکل گرفته است. آنها اوقاتشان را در صحرا سپری می کردند و روششان غارت و بستن راهها بوده و در میان آنها شاعرانی

بوده - اند که غارت هایشان را می سروده اند، گویی که ماجراجویی هایی نیکو بوده است و اینها افرادی شجاع و بی باک بوده اند که مردم از آنان می ترسیده اند و آنان نیز شجاعت و دزدی را با بخشش و حفظ آبرو گردآورده بودند و این بر اساس آن چیزی است که درباره تأبط شرا، شنفری و سلیک بن سلکه می دانیم. (همان: ص ۴۶-۴۷) ولی برخی از این دزدان نیز به خاطر فضل و برتری که داشتند در میان قبایل خود باقی می ماندند، مثل عروه بن الورد، وی بخشنده ای است که فقیران، نیازمندان و مریضان قبیله اش را در خیمه خویش جمع می کرده و برایشان پرچین هایی قرار می داده که در آنها پناه بگیرند و غنیمت هایش را میان آنان تقسیم می کرده است. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۶۷)

۱.۴ زندگی اقتصادی عرب جاهلی

گفتیم که جزیره العرب سرزمین وسیعی است. در این سرزمین پهناور همانگونه که روش زندگی متفاوت بوده، شغل ها نیز متنوع و متفاوت بوده است. (بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۳۸)

مردم سرزمین های معتدل به کشاورزی مشغول بودند، گروهی نیز در ژرفنای صحراهای داغ، تیر و کمان یا شمشیر و نیزه خود را برای شکار به همراه می بردند. (اسد، ۱۹۲۱م: ص ۴۱) و در کنار این دو گروه، گروهی هم به تجارت می پرداختند. تاجران از اهالی مکه بودند، مکه در دوره جاهلی شهر تجاری بزرگی بوده است. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۷۶) و این تجارت قافله ها و نیاز به حامیانی در صحرا که از آنان دفاع کنند، منبع ثروتی برای عرب بدوی به شمار می آمده، ولی جنگ و سلاح هم راه دیگری برای رسیدن به مال بوده است، که گاه بر سر چشمه های آب این جنگ رخ می داده و گاه هدف از جنگ دزدی و غارت بوده است. (بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۳۸)

اما گروه چهارمی هم وجود داشته که به شغل های کوچک و صنعت های بزرگ می پرداختند و این باعث شده بود که برخی

از شهرها به بعضی صنعت‌ها شهرت داشته باشند. (اسد، ۱۹۲۱م: ص ۵)

ولی زندگی اقتصادی عرب‌ها، تجارت شهرنشینان به خصوص اهل مکه بوده، که هم میان عرب‌ها و هم غیر عرب‌ها جریان داشته است.

۱.۵ اخلاق عرب جاهلی

از نظر اخلاقی، ما در جزیره العرب شاهد دو نوع اخلاق کاملاً متضاد هستیم. عرب جاهلی گاه دارای عالی‌ترین نمونه‌های اخلاقی است و گاه پست‌ترین اخلاق را دارد. (بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۴۷)

مهمترین ویژگی آنان، کرم بوده که زندگی در صحرای سخت آنها را به سوی آن سوق می‌داده و باعث می‌شده است که در سال‌های خشکسالی شترانشان را برای اطعام و مهمانی قربانی کنند و آتشی را در شب بر بالای تپه کوهی روشن کنند، تا گمشدگان در صحراها به آنان پناه برند و آنان پناهندگان را حتی اگر دشمنانشان بودند، پناه داده و در امنیت قرار می‌دادند، فخر به این آتش در شعرهایشان فراوان دیده می‌شود. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۶۸) ولی آفت‌هایی هم در این زندگی جاهلی وجود داشته که شاید مهم‌ترین آنها شراب، قمار و مباح دانستن زنان بوده است. (همان: ص ۷۱)

به طور کلی اخلاق عرب‌ها به خصوص بدویان، مولود صحرا و زندگی بدوی است و شاید همین صحنه‌ی خشک و خشن زندگی باعث شده که بدوی اخلاق متضادی را درخویش گرد آورد. (عبدالجلیل، ۱۳۷۶ش: ص ۱۹) بادیه عرب‌های بدوی را از هجوم دشمنان طمعکار حفظ می‌کرده و برای همین بدوی همواره خواهان آزادی و استقلال بوده و سر در برابر هیچ بیگانه‌ای فرود نمی‌آورده، همانطور که به هیچ قانون و

نظامی نیز گردن نمی نهاده است. (الفاخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۲۲)

خصلت دیگر او وفاء، عزت نفس و جوانمردی بود و همین پایبندی به وفا بود که گاه باعث جنگ و فدا کردن عزیزان در راه یک خویشاوند یا همسایه یا پناهنده می‌شد، در عین حال او ستم ناپذیر بود و از ضعیف در برابر تجاوز قوی دفاع می‌کرد. (همان)

همانطور که اشاره شد در کنار همه خصلت های زیبا، عرب جاهلی خوی های ناپسندی هم دارد، گرچه بیشتر شعر جاهلی، عرب را بخشنده ای کریم نشان می دهد، که به مال توجهی ندارد و آن را تحقیر می کند، ولی قرآن کریم جلوه دیگری از اخلاق عرب جاهلی را به ما نشان می دهد و آن بخل، طمع، ربا و خوردن مال دیگران است، به عنوان مثال در سوره نساء آیه ۱۰ آمده است:

« إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَّا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا »:

در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی به دوزخ در آتشی فروزان قهر حق خواهند افتاد.

۱.۶ شعر جاهلی، موضوعات و انواع و اقسام آن

شعر از هنرهای زیباست که جذابیت های طبیعت را به شکلی دلربا به تصویر می‌کشد، در واقع شعر تصویرگر خیال است و میان شعری که از خیال بر می‌خیزد و نظمی که تنها از وزن و قافیه بهره برده است فرق بسیار است. (زیدان، ۱۹۸۳م: ج ۱، ص ۵۳)

زادگاه شعر جاهلی بادیه های نجد و حجاز و سرزمین های پیوسته به آنها در شمال جزیره العرب می باشد. گویی

بادیه مدرسه ای بوده، که شاعران جاهلی در آن پرورش می یافتند. (الفاخوری، ۱۳۷۸ش: ص ۴۰)

بیش از پانزده قرن پیش شعر عربی حرکتش را در زندگی به شکلی پیچیده و مبهم آغاز کرده است، وثیقه ای مورد اطمینان وجود ندارد که ما را برای تعیین دقیق تاریخ شروع این شعر و شکل ادبی آن یاری برساند، تنها سخن جاحظ که شعر عربی را مولودی تازه متولد شده و کم سن و سال می داند برای تعیین این تاریخ در دستان ماست. بنابراین احتمالاً تاریخ شروع این شعر یا بهتر بگوییم به کمال رسیدن آن یک قرن و نیم یا دو قرن قبل از ظهور اسلام می باشد، یعنی همان شروع جنگ بسوس که اولین شاهد شعر عربی بوده و قهرمان این جنگ - مهلهل - آن را سروده است. (خلیف، ۲۰۰۵م: ص ۹)

شکی نیست که مراحمی را که شعر عربی پیموده تا به صورت شعر عصر جاهلی در آمده مبهم است و ما به نمونه هایی که صورت های اولیه را نشان دهد دسترسی نداریم، اما آنچه در اختیار ماست قصایدی است با شکل متکامل و سنت های فنی پیچیده در وزن و قافیه و مضمون و موضوع، سنت هایی که پرده ای ضخیم بین ما و مرحله کودکی و پرورش شعر عرب می کشد. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۱۸۳)

مهمترین چیزی که در شعر جاهلی مشاهده می شود این است که ساختار کاملی دارد و بیشتر مدلول های آن حسی است و عبارت به طور کامل مدلولش را بیان و افاده می کند و کوتاهی در آن دیده نمی شود و این شعر پیشرفت و تکامل لغوی را به تصویر می کشد و بی شک این تکامل یک دفعه و ناگهانی به وجود نیامده است بلکه تجربه های طولانی عصرهای گذشته قبل از این عصر است، تجربه هایی که همواره رشد و نمو کرده و کامل شده اند تا اینکه ساختار شعری کاملی به همین شکل جاهلی که در دسترس ماست را به ما ارائه داده اند. (همان)

شاعر جاهلی در سرودن شعر، گاه بدیهه گویی ماهر است و گاه حکیمی خردمند که وسواس بسیار به خرج می دهد. (ابن قتیبه، ۱۹۰۲م: ص ۱۷ و بلاشر، ۱۹۸۴م: ص ۱۱۲) او شعرش را یک دفعه نمی سراید، بلکه مدت های طولانی و گاه یک سال

برای سرودن آن وقت می‌گذارد، آن را بررسی می‌کند، به داوران و راویان عرضه می‌دارد و پس از تنقیح و تهذیب آن را برای همه عرضه می‌کند و شاید همین، گاه سبب جدایی معنی بیت‌ها از یکدیگر می‌شود. (همان: ص ۲۲۶-۲۲۷)

شاعران جاهلی شعرشان را به برخی محسنات لفظی و معنوی می‌آراسته‌اند و به خصوص در شعرشان تشبیه نقش مهمی دارد و در تشبیه هر چیزی را به مشبه حسی آن تشبیه می‌کنند و در کنار تشبیه، استعاره نیز از هر نوع مصرحه و مکنیه در شعر جاهلی دیده می‌شود و پایه‌های برخی محسنات چون طباق و جناس نیز در شعر جاهلی یافت می‌شود و هدف شاعر جاهلی از به کارگیری این محسنات و آرایه‌ها این است که شعرش در شنونده تاثیر بگذارد. (همان: ص ۲۲۸-۲۳۰)

شعر جاهلی با انواع شعر حماسی، تعلیمی و تمثیلی متفاوت می‌باشد ولی به شعر غنایی نزدیک است. شعر جاهلی نه تنها از حیث به تصویر کشیدن شخصیت و درون فرد شبیه شعر غنایی یونانی است، بلکه از لحاظ اصول نیز به این نوع از شعر شباهت دارد. جرجی زیدان اصل در وضع شعر را غنا و آواز می‌داند و ابتدایی‌ترین شعرها یعنی رجز را آوازهایی برای به حرکت در آوردن شتران بر می‌شمارد. (زیدان، ۱۹۸۳م: ج ۱، ص ۵۹) و شاید دلیل مشهور شدن اعشی به صنایع العرب هم همین باشد که او شعرش را به شکل آواز می‌خوانده است.

اما از نظر موضوعات شعر جاهلی، شاید قدیمی‌ترین کسی که شعر عربی جاهلی و غیر جاهلی را به موضوعاتی تقسیم بندی کرد، ابوتمام است. او شعر را به ده موضوع از جمله حماسه، مراثی، ادب، نسیب، هجو، میزبانی و مدح صفات، سیر و نعاس، ملح و مذمت نساء تقسیم کرده است. (ضیف، ۱۹۶۰م: ص ۱۹۰)

قدّامه در کتاب نقد الشعر این هنر را به شش موضوع: مدح، هجاء، نسیب، مرثیه، وصف و تشبیه تقسیم کرده است و سعی کرده تمام شعرها را به دو باب: مدح و هجاء برگرداند. (همان: ص ۱۹۵)